

معنای تفقه در عبادت و قرب الی الله

انسان باید بفهمد که عبادت چه معنایی دارد؛ با چه کسی می‌خواهد حرف بزند و چه می‌خواهد بگیرد، اما متأسفانه ما تفقه نداریم، نماز می‌خوانیم، اما نمی‌دانیم که یعنی چه و با چه کسی حرف می‌زنیم و چه می‌خواهیم.



انسان باید بفهمد که عبادت چه معنایی دارد؛ با چه کسی می‌خواهد حرف بزند و چه می‌خواهد بگیرد، اما متأسفانه ما تفقه نداریم، نماز می‌خوانیم، اما نمی‌دانیم که یعنی چه و با چه کسی حرف می‌زنیم و چه می‌خواهیم. به گزارش خبرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا)، آیت‌الله ضیاء‌آبادی در جلسه تفسیر اخیر هفتگی خود به مناسبت قرار داشتن در آستانه حلول ماه مبارک رمضان به بیان نکاتی در باره این ماه و طریق بندگی خداوند پرداخت.

بنا بر این گزارش، آیت‌الله ضیاء‌آبادی با اشاره به خطبه پیامبر اکرم(ص) در هفته آخر ماه شعبان، گفت: ایشان در مجمع عمومی مسلمین از مهاجرین و انصار خطابه‌ای القا فرمود که مرحوم سید بن طاووس(رض) در کتاب اقبال نقل کرده است از امام رضا(ع) که ایشان هم از آباء کرام‌شان تا حضرت امیر(ع) و حضرت امیر(ع) فرمود پیامبر اکرم(ص) روزی ما را خطاب قرار داد و برای این که مردم را به عظمت ماه رمضان توجه بدهند و آن‌ها خودشان را برای استقبال آن مهمان عزیز آماده کنند، گفتند: ای مردم به طور قطع و یقین ماه خدا به شما روی آورده است.

آیت‌الله ضیاء‌آبادی با اشاره به این‌که همه ماه‌ها ماه خداست، عنوان کرد: اما از آن جهت که خدا می‌خواهد شرف و عظمتی برای این ماه نشان بدهد، در زبان خودش و در زبان پیغمبرش شهر الله می‌شود. این ماه امتیازی دارد که سایر ماه‌ها این امتیاز را ندارد. همان طور که کعبه را «خانه خدا» فرمود؛ با آن که خدا خانه نمی‌خواهد و همه جا مال خداست، اما آن قطعه زمین شرفی دارد و امتیازی دارد که سایر مکان‌ها ندارند و به همین خاطر گفت: مال خداست و خانه خداست و خیلی شرافت و امتیاز دارد. حالا ماه رمضان هم ماه خداست و ماهی است که در تمام طول سال بهترین ماه‌ها نزد خداست و روزهایش بهترین روزها و شب‌هایش بهترین شب‌هاست و ساعاتش بهترین ساعات است.

ایشان سپس به برخی از برکات این ماه اشاره کرد و در ادامه با تأکید بر لزوم تفقه در عبادت، به سخنی از امیرالمؤمنین(ع) اشاره کرد که می‌گوید: «لا خیر فی عبادۃ لا تفقه فیها و لا خیر فی تلاوة لاتدبر فیها؛ آن عبادتی که تفقه ندارد ارزش ندارد و آن تلاوتی که تدبر در آن نیست خیری در آن نیست».

آیت‌الله ضیاء‌آبادی بیان کرد: آدم باید بفهمد که این عبادت چه معنایی دارد و با چه کسی می‌خواهد حرف بزند و چه می‌خواهد بگیرد. تفقه همین است که بفهمد و بشناسد که این عبادت چه معنایی دارد و چه نتیجه‌ای دارد. متأسفانه ما تفقه نداریم، نماز می‌خوانیم، اما نمی‌دانیم که یعنی چه و با چه کسی حرف می‌زنیم و چه می‌خواهیم.

وی با بیان این‌که طلب هدایت که در نماز می‌کنیم، بهترین دعاست، گفت: راه راست یعنی راهی که ما را به مقصد می‌رساند، بندگی است؛ و بنده آن است که هر چه بگویند، چشم بگوید و بگویند نکن بگوید چشم. باید بدانی که اگر این گونه نبود، عبادت نکرده‌ای و صراط مستقیم نداری. ما نمی‌خواهیم بفهمیم که طرف ما کیست و از او چه می‌خواهیم. او خدای ماست او «رب العالمین» است. از او چه می‌خواهیم؟ صراط مستقیم. او خودش جواب می‌دهد که «به شما داده‌ام که! قبول نمی‌کنی که!» با شما عهد بسته‌ام آدم‌زاده‌ها، من با شما عهد بسته‌ام که به پیمانی که با من بسته‌اید وفا کنید و من هم به پیمانم عمل می‌کنم.

آیت‌الله ضیاء‌آبادی جایگاه این عهد و جایی که این عهد بسته شده است را عالم عقل و وجدان و فطرت عنوان کرد و گفت: خدا می‌گوید در عالم عقل و وجدان و فطرت با من عهده بسته‌اید که بنده من باشید و من هم به شما وعده کرده‌ام که هر چه از من بخواهید به شما بدهم. عهدی که با شما بستم، همین است، منتها در نماز تفقه نداریم به این‌ها. خب راه را به شما نشان داده و گفته مرا بندگی کنید که همین صراط مستقیم است؛ اما نمی‌خواهی از آن راه بروی و خدا می‌گوید چون وفادار نیستید، من هم نیستم، پس از من گله نکنید که هر چه می‌خواهم نمی‌دهد. شما عمل نکردید به عهدتان پس من هم عمل نکردم.

وی در ادامه به اشاره به این که روزه‌داری تنها نخوردن نیست، گفت: گوشت را روزه‌دار کن، زبانت را و چشم‌ت را روزه‌دار کن. عوام هم روزه دارند، خواص هم دارند و اخص خواص هم. روزه عوام چند ساعت گرسنه ماندن است که شب جبران می‌شود. روزه خواص این است که مراقبند چشم‌شان، گوش‌شان و زبان‌شان هم روزه‌دار باشد. از این بالاتر هم هست که به ما نمی‌رسد و آن این است که غیر از خدا را در دلت راه ندهی؛ این شیوه علی(ع) است. اگر نخوریم و نیاشامیم و هم در زبان و گوش و چشم روزه‌دار باشیم، مرتبه مرتبه بالا می‌رود و کم کم آن هم می‌شود، اما اول آن همین است.

آیت‌الله ضیاء‌آبادی با بیان این که باید قصد قربة الی الله باشد، در مورد این‌که منظور از قرب و نزدیکی به خدا چیست، اظهار کرد: این قربت قرب جوهری است، یعنی جان من، روح من که حقیقت من است، به خدا نزدیک شود؛ از جهت صفات. خدا موجودی است، جامع الصفات کمال و تمام صفات کمال را دارد و از هر عیبی منزّه است. دین گفته است که شما کاری کن که این گونه شوی و جان و روح کم کم به خدا نزدیک شود و از رذائل پرهیز کن و برای فضائل خود را آماده کن.

وی ادامه داد: مراحل سیر انسان از خاک شروع شده و تا به جایی می‌رسد که فرشتگان را پشت سر می‌گذارد. خدا می‌گوید: با من باش ای انسان و راه را گم نکن. انسان بخشی از این راه را با جماد و نبات و حیوان همراه بوده و با مرکب قوای طبیعی و نباتی و حیوانی پیموده است تا این که انسان شده، اما به این جا که رسیده است، باید با مرکب عقل راه اطاعت و بندگی خالق

را بپیماید تا کم کم بر نور جانش افزوده شود و جانش نورانیت بیشتر بدهد تا به الله، نور آسمان‌ها و زمین، نزدیکتر بشود. نور جان ما به او نزدیک شود تا نورش بیشتر بشود. نور ما بیشتر شود تا به نزدیکی خدا برسیم. من باید جانم را باید به گونه‌ای منظم کنم که کم کم بر نورش افزوده شود.